

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸

تبارشناسی چالش «قومیت‌گرایی یهود» قبل از ظهور و ارائه راهکارهای مواجهه با آن

رضا قزی^۱

صالح آقابابایی^۲

سید صمصام‌الدین قوامی^۳

چکیده

شواهد تاریخی و روایی مبنی بر تقابل قوم یهود با حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را نشان می‌دهد. مستندات نیز دال بر وجود قومیت‌گرایی افراط‌گرایانه یهود هم در فقرات عهد عتیق و جدید، هم چنین تلمود و بسیاری از آیات و روایات اسلامی، علاوه بر جریان‌های تاریخی مواجهه این قوم با انبیای بزرگ الهی، همگی به مثابه چالش بزرگ فرا روی حکومت موعود امم است. طیف گسترده‌ای از روایات باب امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، گمانه‌های قومیت‌گرایی را از مهم‌ترین چالش‌های تهدیدکننده حکومت عدالت خواه حضرت رقم می‌زند. هدف پژوهش حاضر تبارشناسی چالش‌های قومی، تا قبل از دولت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى است.

واژگان کلیدی

چالش، قوم‌گرایی، قوم یهود، حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى.

۱. دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قم (نویسنده مسئول) (rghaz@ymail.com).

۲. مدرس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی.

۳. مجتهد نظریه پرداز در عرصه مدیریت اسلامی.

با توجه به آیات راهبردی قرآن کریم از جمله آیات نخستین سوره «بنی اسرائیل» هم‌چنین آیه ۸۲ سوره شریفه مائده ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا﴾ حاکی است که یکی از چالش‌های جدی فراروی حکومت مؤمنان در طول تاریخ، وجود یهودیان قومیت‌گرا هستند ارزیابی شواهد تاریخی نیز درصدد است تا امکان ردیابی این چالش را بررسی نماید. در حالی که علاوه بر این آیات دیگر، روایات بسیاری وجود دارد که برخی مربوط به تفسیر آیات، و بعضی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصرپیش از ظهور و عصر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، قوم یهود در مقاطع گذشته تاریخ نشان دادند که طرفدار حق نبوده و نخواهند بود؛ در آیات و روایات اسلامی نیز با تکیه بر قومیت و انتساب خویش به خداوند، در برابر سنگر حق قد علم کرده و سعی بر شکست آنها داشتند. ضرورت بررسی موضوع زمانی مضاعف می‌گردد که پس از تحلیل و بررسی نشان دهیم که یهودیان مستکبر قومیت‌گرا، تکیه‌شان بر قومیت، نه زبان، و نژاد بلکه مبنای آن را دینی و الهی می‌دانند.

این مقاله قصد دارد با کاوشی در رگه‌هایی از میراث نقلی و تاریخی، فرضیه فوق را جدی‌تر دنبال نموده، قرائت جدیدی از پیشینه و تبار قوم‌گرایی مذکور ارائه کند. نخست با طرح مجموعه شواهدی مبتنی بر گمانه‌های تاریخی، مشخص می‌شود که قوم یهود صرفاً در مقابل حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی‌کنند. از آن جا که ممکن است شواهد یاد شده، اعتبار عام و پذیرفته شده ادعای فوق را تا اندازه‌ای مورد تردید قرار دهد با استناد به برخی فقرات کتاب مقدس و آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، وجود قوم‌گرایی فوق را مورد تأکید قرار می‌دهد. تبارشناسی قوم یهود، حاکی از انسجام اجتماعی کاملاً محسوسی در جوامع یهودی در اثر تعصب شدید قومی انجامیده و این همبستگی اجتماعی دلیل اصلی بقای اجتماعی آنها حتی در عصر حضور حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

قومیت‌گرایی یکی از آفت‌های جامعه بشری است که در طول تاریخ، رنج و ستم بی‌شماری را بر انسان‌ها تحمیل کرده است. این پدیده شوم ریشه در خصلت حیوانی انسان‌ها دارد که مبتنی بر سلطه‌جویی و افزون‌طلبی بر دیگران است. علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیات ۴۹ تا ۵۴ سوره بقره، اشاره می‌کند که بنی اسرائیل جامعه‌ای بودند که قومیت در آنها شدید بود، چون یک تن بودند. در نتیجه، اگر عملی از بعضی سر می‌زد همه بدان راضی می‌شدند. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۸۹) لیون سیمون محقق برجسته یهودی نیز معتقد است:

آئین یهود برخلاف مسیحیت به هیچ وجه رستگاری روح فرد را بشارت نمی‌دهد، همه

ایده‌ها و مفاهیم یهودیت با هستی قوم یهود، گره خورده است. (فورد، ۱۳۸۲: ۷۰)

دو دین ابراهیمی - مسیحیت و اسلام - به دلیل این‌که خواستار تعدیل خواسته‌های مادی و معنوی انسان هستند، همواره در معرض توطئه‌ها و تقابل سلطه‌جویی، افزون‌طلبی و قوم‌گرایی یهود قرار داشتند. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی و تشیع به‌عنوان رساترین قرائت از اسلام - که عدالت اجتماعی و رستگاری انسان از مهم‌ترین آموزه‌های آن است - بیشتر از هر دین و آئین دیگری گرفتار چالش‌ها و تقابل با این قوم کج‌اندیش می‌باشد. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که «ماهیت چالش‌های اجتماعی قوم‌گرایی یهود چیست؟» پرسش‌های فرعی دیگری نیز قابل طرح است: یکم. خاستگاه و زمینه‌های چالش‌های قومی یهود کدامند؟ دوم. انواع راهبردها و رویکردهای قرآن کریم و روایات اسلامی کدام است؟ فرضیه پژوهش بررسی راهبردهای مناسب با نژادپرستی و قومیت‌گرایی یهود است. روش پژوهش حاضر از نظر راهبرد توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی است. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارند هم جنبه مبنایی، که در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و هم چنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود. یکی از روش‌های توصیفی «جامعه‌شناسی تاریخی» است؛ یعنی در نظر گرفتن ویژگی‌های سنتی هر جامعه برای تبیین مسائل و چالش‌های آن بهره برده است.

تلاش نگارنده در این مقاله به این پاسخ رهنمون شده است که «در کنار عواملی چون دین‌ستیزی، توهین و جسارت به انبیاء الهی، تدلیس، همه ریشه در قومیت، تبختر و خودپسندی این قوم دارد که عملاً منشأ یک سری چالش‌های سیاسی و اجتماعی دیگری در طول تاریخ بشریت، توسط ایشان بوده است و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌الشریف نیز از چالش‌های اجتماعی این قوم بی‌نصیب نمی‌باشد.»

قوم یهود بعد از حضرت موسی علیه السلام از راه حق منحرف شدند و پیامبران الهی را که برای اصلاح ایشان ظهور می‌کردند، به قتل می‌رساندند، (بقره: ۹۱؛ آل عمران: ۱۱۲) این گروه مطابق پیش‌گویی‌های تورات، منتظر ظهور دو موعود بودند. یکی از آنها حضرت مسیح علیه السلام ظهور کرده بود و یهود با عداوت خویش، وی را تحت فشار و تعقیب قرار داده و با گمانه‌زنی خویش، حضرت را به پیامبر مفقودالآثر تاریخ تبدیل کردند. به این نیز اکتفا نکرده و با نفوذ در دین مسیح، چنان انحرافی در آن ایجاد نمودند که اساس فعالیت مسیح علیه السلام را که فریسی‌ستیزی بود، به دوستی و همراهی با فریسیان تبدیل کردند. پس از حضرت عیسی علیه السلام، این قوم، دیگر

جز اسلام هیچ تهدیدی را در برابر خود نمی‌بیند. از طرفی، ادیان مدعی آن روز هم چون مسیحیت و یهودیت، از شخصی می‌گفتند که با ظهور خود، جهان را از فتنه، ستم و بی‌عدالتی پاک خواهد ساخت و قوم منحرف یهود برای بقای خود، ناگزیر از برخورد جدی با ایشان برای بقای خود است.

به نظر می‌رسد با توجه به روحیه قوم‌گرایی و نژادپرستی که در یهود سراغ داریم، آنها چالش اصلی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ زیرا دشمنی دیرینه یهودیان با اسلام و بالعکس، روحیه نژادپرستی به گونه‌ای که فقط نژاد یهود را برتر و برحق می‌دانند، پیامبری را می‌پذیرند که دلخواه و از نژاد خودشان باشد، هدایت و بهشت را از آن خود می‌دانند، همه این امور سبب می‌شوند تا انسان اطمینان پیدا کند، یکی از چالش‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور - بلکه اصلی‌ترین و شدیدترین آنها - رویارویی با قوم یهود است. در این تحقیق با تکیه بر منابع معتبر، قرآن، تفاسیر، روایات شیعه و روایات اهل سنت به بررسی و تحلیل آنها پرداخته‌ایم. با اطلاع از رویارویی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با قوم یهود در عصر ظهور، می‌تواند در زمینه سازی برای ظهور و اتخاذ راهبردها و راهکارهای مناسب با این قوم در قبل از ظهور، نقش مهمی داشته باشد.

چالش

یکی از واژه‌هایی که به تازگی در ادبیات و مباحث اجتماعی کاربرد فراوانی پیدا کرده است، واژه «چالش» است. این واژه در لغت‌نامه‌های فارسی ضبط و معنی شده است، اما کاربرد رایج و امروزی آن، با معانی لغت‌نامه‌ای آن تفاوت دارد. غالباً «چالش» را معادل Challenge تلقی می‌کنند، حال آن‌که تأملی در کاربرد این واژه در متون و محاورات، نشان می‌دهد معانی متفاوت و مختلفی از این لفظ مورد نظر بوده که با معنای Challenge انطباق کامل ندارند. معانی چالش در زبان فارسی برگرفته از لغت «چال» - به معنی گودال، آشیانه مرغ، عمیق - است؛ فرهنگ معین برای «چالش» نیز سه معنی آورده است:

۱. رفتن با ناز و خرام، جولان؛ ۲. مباشرت؛ ۳. زدو خورد، جنگ و جدال سپس فعل «چالش کردن» را به «زدو خورد کردن» و «جنگ و جدال کردن» معنی می‌کند. (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه چال)

اما لغت‌نامه دهخدا احتمال می‌دهد که چالاک و چالش هر دو از «چال» - به معنی رفتار - باشند. ایشان چالش را به معنی جنگ و جدال، حمله و یورش می‌داند و علاوه بر معانی

ذکرشده در فرهنگ معین، تلاش، کشتی و مصارعت را هم ذیل معانی «چالش» ذکر می‌کند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه چال) در ترجمه واژه انگلیسی آن آمده است:

وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین‌کننده را ایجاب کند اطلاق می‌شود. (BBC (English Dictionary), London, 1993)

برای تعریف اصطلاحی چالش می‌توان به نکات ذیل توجه داشت: «چالش‌ها امواجی اند که پیش روی انسان قرار دارند. (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ص. پ) هدف مطالعه چالش‌ها، رسیدن به راهبردهای عملی و نویدبخش است. (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ص. ت) چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت اند ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۳). یکی از اهداف بررسی چالش‌ها، کاهش خطرات است. (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۹) نکات فوق از جمله مواردی هستند که می‌توان آنها را در تدقیق و تنقیح معنای چالش، مورد استفاده قرار داد. بنابراین در معنای اصطلاحی آن می‌توان گفت:

شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد. (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۷)

قومیت‌گرایی

قومیت‌گرایی یا ملیت‌پرستی که معادل واژه «ناسیونالیسم» قرار داده شده است، به معنای اصالت دادن به تعلقات قومی و نژادی است. این تعلقات که متکی به احساسات و عواطف انسان است در مرحله ابتدایی به شکل علاقه‌مندی به قوم و سرزمین ظهور یافته و در مرحله بعدی به ملی‌گرایی و سرانجام به شوونیسم می‌رسد. قوم، واژه عربی است که در فارسی «گروه مردم، اجتماعی از مردم، خویشاوندان» معنی می‌دهد. (عمید، ۱۳۶۳: ۱۵۹۳) معادل انگلیسی واژه قوم «Ethnic» است که به طور عمده به اقلیت‌های غیرانگلو ساکسون در ایالات متحده آمریکا اطلاق می‌شود. مفهوم اجتماعی قوم در عربی فراتر از «خویشاوند» و «قبیله» است و معادل مفهوم واژه‌های «ملت» و «شعب» است. ملت، نه به مفهوم قرآنی آن که دین و راه و روش است، بلکه به مفهوم مصطلح آن، یعنی یک واحد اجتماعی که دارای سابقه تاریخی واحد و قانون و حکومت واحد و آرمان‌های مشترک باشد. (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۱) قومیت‌گرایی، چه در سطح جهانی و ملی و چه در سطح قبیله و طایفه اگر محور قرار داده شده و اصالت یابد، در آن صورت حالت «Ethnocentrism» به وجود می‌آید که افراد هنجارهای فرهنگ جامعه خود

را مطلق و بدون چون و چرا انگاشته و به هنجارهای متفاوت جوامع دیگر با تحقیر می‌نگرند. (بخشی، ۱۳۶۳: ۹۸) قومیت‌گرایی (ناسیونالیسم) در کشورهای مختلف به دو شکل تبارز کرده است؛ یکی به شکل نهضت آزادی خواهانه و استقلال طلب در برابر تجاوز خارجی، و دیگری به شکل عقیده و آرمان برتری خواهانه و سلطه جویانه یک ملت نسبت به ملت‌های دیگر و یک قوم و قبیله نسبت به اقوام دیگر در یک کشور واحد. قومیت‌گرایی شکل اول را «ناسیونالیسم مثبت» و شکل دوم را «ناسیونالیسم منفی» تعریف کرده‌اند. به نظر مک لین «قومیت، چگونگی تعلق به یک گروه قومی است. قومیت شامل آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی و سنت‌های مشترک است و یا برخورداری گروه از ریشه جغرافیایی، زبانی، مذاهب و الگوهای سکونت مشترک، برخورداری از ملاحظات سیاسی مشابه به ویژه در رابطه با سرزمین و نهادهای سیاسی و برخورداری از نوعی احساس تمایز و متفاوت بودن از دیگران می‌باشد. (طرح و بررسی استراتژیک، ۱۳۷۹: ۷ و ۹)

ماهیت قوم‌گرایی از منظر جامعه‌شناسان

از منظر جامعه‌شناسان، قوم‌گرا، قوم‌مدار یا قوم‌محور به کسانی اطلاق می‌شود که قوم و فرهنگ خود را برتر و اقوام دیگر و فرهنگ آنان را پست تر تلقی کرده و براساس همین تفکر، علیه اقوام دیگر تبعیض و بی‌عدالتی روا می‌دارند. جوئل شارون، شش عامل مشوق برای قوم‌مداری (قوم‌گرایی) ذکر می‌کند که عبارتند از کنش متقابل، احساس وفاداری به سازمان، اجتماعی شدن، ایجاد کجروی، تسلط و ستم، تضاد اجتماعی. (شارون، ۱۳۷۹: ۲۰۲-۲۰۸) جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که قوم‌گرایی هرگاه همراه با خصومت نسبت به برون گروه باشد، به طرف‌داری از درون گروه می‌انجامد. حتی برخی اوقات به درگیری، خشونت یا پشتیبانی، از رفتارهای تبعیض‌آمیز منجر می‌شود. (Hooghe, 2008: 1) در نهایت بری و کالین دو جامعه‌شناس کانادایی که مطالعات متعددی در مورد قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی «عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون گروه‌ها به طور کلی، و ترجیح نسبی درون گروه بر برون گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بیزاری عمومی نسبت به تمام برون گروه‌ها قلمداد می‌کنند. (Berry & Kalin, 1995: 303)

قوم‌گرایی در میان جمعیت یهودی اسرائیل معاصر نیز امری هژمونیک بوده است. یهودیت صهیونیسم^۱ یک جنبش ملی بود، اما فاقد سرزمین و به طور طبیعی ملیت نژادی یا ترکیبی رایج

۱. ناهوم سوکولف نویسنده کتاب تاریخ صهیونیسم و از رؤسای «آژانس یهود» مدعی شده است: «اندیشه صهیونیسم به اندازه

در سرزمین را پذیرفت. ناسیونالیسم یهودیان سرگردان در فلسطین و سایر نقاط جهان را به یک ناسیونالیسم استعماری مهاجرتی به دنبال سرزمین کشاند. هنگامی که دولت یهودی تشکیل گردید اصول نژادی عضویت را در دستور کار قرار داد و هیچ‌گاه اصل جایگزین لیبرال سرزمینی را نپذیرفت و تاکنون در اسرائیل مسلط بوده و نماد بارزی از ناسیونالیسم یهودی است، اگر حقوق شهروندی برای اعراب و یهودیان در اسرائیل بالقوه است، اما تفاوت بالفعل گروه تحت سلطه و اکثریت حاکم جایگاه واقعی این حقوق را آشکار می‌نماید. (Peled, 1993: 21-30) با توجه به دیدگاه جامعه‌شناسان اگر مقوله قومیت، تبدیل به فرصت نشود، قطعاً تهدید و چالشی بزرگ فراروی حکومت ایجاد می‌شود. این چالش زمانی پیش می‌آید که یک قومی بخواهد سلطه و هژمونی خویش را بر بدنه اجتماع حاکم نماید. با توجه به راهبرد عهد جدید و قرآن کریم، قوم یهود در هیچ مقطعی از تاریخ نخواستند با اقوام و ملل دیگر تعامل داشته باشند بلکه همیشه در چالش بودند.

بی‌شک قوم‌گرایی یهود ریشه در عنوان عام قوم برگزیده دارد که بیانگر این اندیشه است که قوم اسرائیل رابطه ویژه و منحصر به فردی با خدای جهان دارند. این اندیشه در سراسر تاریخ تفکر یهود اندیشه‌ای محوری بوده و در مفاهیم کتاب مقدس ریشه‌ای بس عمیق دارد و در تلمود، فلسفه و عرفان یهودی بسط یافته است. این واژه برای نشان دادن موارد زیر به کار رفته است:

۱. انتخاب اشخاص از سوی خدا برای ایفای نقش خاص یا به عنوان کاهن. برگزیدگی در آیه ذیل به این معنا به کار رفته است: در سموئیل می‌گوید: «و آیا او را از جمیع اسباط اسرائیل برنگزیدم تا کاهن من بوده، نزد مذبح من بیاید؟» (اول سموئیل، ۲: ۲۸)؛
۲. در مورد کسانی که نقش پادشاه را ایفا می‌کنند، نیز به کار رفته است: در اول پادشاهان

قوم یهود قدمت دارد و نمایندگان اندیشه و مکتب یهود، آن را ترویج کرده بودند. (ساکولف، ۱۳۷۷: ۱۲۵) از یک سو امروزه نمی‌توان یهودی را پیدا کرد که اعتقاد به صهیون نداشته باشد. از سوی دیگر بیشتر احزاب و گروه‌های یهودی در طول تاریخ علاوه بر تورات، به شریعت شفاهی و کتاب‌های یهودیت خاخامی از قبیل تلمود، شولحان عاروخ و حتی کتاب‌های قبالی و یا دست‌کم تفسیرهای قبالی نیز به عنوان منبع علوم الهی می‌نگرند، (المسیری، ج ۵، ۴۲۱-۴۲۲) که در بیشتر آنها به رجوع به صهیون و بیت المقدس تاکید دارند. از زاویه دیگر آن که ممکن است در رجوع به صهیون در قبل از ظهور ماشیح یا بعد از ظهور اختلاف باشد (شهبازی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۴۳) و الا اصل برگشتن به صهیون در بین یهودیان مسئله اتفاقی است. چیزی که هست با روی کار آمدن دولت ناسیونالیسم یهودی روی کار، تاکید بر نژادپرستی و قومیت‌گرایی بیشتر خود را نمایان کرده است و الا این جنبش جدای از قوم یهود نیست. برخی پژوهشگران گمانه‌زنی کردند که مفهوم «ناسیونالیسم»، ابتدا در کشمکش‌های اروپایی از دل نیروهای ناپلئون قد برافراشت و از سال ۱۸۴۸ رشد کرد و مطرح گردید. (Arthur A. Cohn and Paul Mendes-Flohr, p702) این در حالی است که مطابق تبارشناسی انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد در هیچ زمانی از مفهوم ناسیونالیسم از قوم یهود جدا نبوده است.

آمده است: «اما داود را برگزیدیم تا پیشوای قوم من اسرائیل بشود» (اول پادشاهان، ۸: ۱۶)؛
 ۳. به معنای اختصاص دادن مکانی خاص به محل مقدس و عبادت نیز به کار رفته است.
 در سفر تثنیه به معنای خاص الاهیاتی این واژه اشاره شده است. (Judaica, 1972: 9, 498)
 براساس این برداشت، برگزیدگی گوهر و ماهیت عهدی است که رابطه اساسی میان خدا و
 اسرائیل را نشان می دهد و در سرتاسر کتاب مقدس عبری بر آن تأکید شده است.
 به گفته هنری اتلن هر قومی خودش را محور جهان می داند. (Atlan, 1987: 56) اما زمانی
 این عقیده به یک چالش عظیم و حتی بحران تبدیل می شود که به نفی دیگر اقوام و سلطه بر
 آنها برآید. در تلمود آمده است:

قوم یهود مقدس و سرورند... دنیا فقط برای جماعت بنی اسرائیل خلق شده است...
 هیچ کس به جز بنی اسرائیل نمی تواند ادعا کند فرزند خداست. مهر و محبت خدا از
 آن جماعت بنی اسرائیل است و بس. (المسیری، ۵، ۷۲)

خاستگاه قوم گرایی در قرآن کریم

اگرچه در قرآن کریم اطلاعات دقیقی درباره یهود پیش از ظهور در دست نیست، ولی با توجه
 به ویژگی های یهود در قرآن از جمله نژادپرستی و خودبرتربینی (بقره: ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۰ و ۱۳۵)،
 آنان پیامبری را که دلخواه آنها نباشد، نمی پذیرند (بقره: ۸۷)، دشمنی شدید آنها با مسلمانان
 سبب خواهد شد تا در عصر پیش از ظهور و در حین ظهور موضع منفی و واکنش سلبی از
 خودشان نشان دهند و پیش بینی های لازم را در جهت رویارویی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشته
 باشند. آیه شریفه ۸۲ سوره مائده می فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»
 علامه طباطبایی ذیل آن می فرماید:

گرچه خطاب در این آیه متوجه شخص رسول الله صلی الله علیه و آله است، لیکن این نکته نیز بر
 کسی پوشیده نیست که آیه شریفه در مقام بیان قانون و ضابطی است کلی.

ایشان در ادامه می نویسند:

این نکته که عبارت است از بیان قانون کلی در صورت خطاب خصوصی بسیار به کار
 می رود: مانند آیه «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (مائده: ۸۰) و آیه «تَرَى كَثِيرًا
 مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ» (مائده: ۶۲). (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۶، ۸۰)

در تفسیر المیزان اشاره شده است که قوم یهود گرچه در ایمان آوردن و یا جزیه دادن مانند
 نصارا مختار بودند، لیکن به آسانی اسلام را قبول نکردند، بلکه مدت ها در نخوت و عصبیت

خود تصلب و پافشاری کردند، مکر و خدعه بکار بردند، عهدشکنی‌ها کردند، خواهان بلا و مصیبت مسلمین بودند، و بالآخره صفحات تاریخ از خاطرات تلخی که مسلمین آن روز از یهود دیدند پر است، خاطراتی که تلخ‌تر و دردناک‌تر از آن تصور ندارد. این راهبرد شریف قرآنی به خاطر راهکارها و روش‌های باطلی است که یهود از اول برداشته و تا حال حاضر ادامه داده است و در عصر ظهور حضرت نیز به همین شکل عمل خواهند کرد. در واقع با توجه به آیات ذیل می‌توان نشان داد که این قوم تا چه اندازه براستبداد، و قوم‌گرایی خویش تکیه داشتند و دارند.

■ کفر به آیات و قتل انبیاء الهی: ﴿ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفِرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يُفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكِ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (بقره: ۶۱).

■ شکایت پیامبرشان: ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَنِي﴾ (صف: ۵).

■ پیروی از هوای نفس: ﴿وَ لَئِن أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ﴾ (بقره: ۱۴۵).

■ تحقیر انبیاء و ادیان دیگر: ﴿وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ﴾ (بقره: ۱۱۳).

■ هواپرست نه حق‌پرست: ﴿كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يُقْتُلُونَ﴾ (مائدة: ۷۰).

■ پیمان‌شکنی قوم یهود: ﴿فَبِمَا نَقُضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ (مائدة: ۱۳).

■ باغی بودند: ﴿فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾ (جاثیه: ۱۷).

■ اعتراف به قتل مسیح: ﴿وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ (نساء: ۱۵۷).

■ فساد در زمین دو بار: ﴿لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا﴾ (اسراء: ۴-۵).

■ عدم ایمان به پیامبر خودشان: ﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ﴾ (بقره: ۵۵).

■ انتساب بنوت خویش به خداوند: ﴿وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ﴾ (مائدة: ۱۸).

■ نقض پیمان: ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ (بقره: ۸۳).

■ حرص به دنیا: ﴿وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاتِهِ...﴾ (بقره: ۹۶).

■ آزار اهل ایمان: ﴿وَلْتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ... أَذَى كَثِيرًا﴾ (آل عمران: ۱۸۶) بنابر نکته‌ای که علامه طباطبایی اشاره فرمودند: یادآور می‌شویم که ایذاء و اذیت اهل ایمان مخصوص دوران نبی اکرم ﷺ نمی‌باشد.

تبار قوم‌گرایی یهود در عصر مسیح

عده زیادی از یهودیان به کار تجارت و بازرگانی مشغول بودند و در برخی کشورهای اروپایی، حدود سال ۷۰ م، مستقر شده بودند. اما وقتی مسیحیت در خاورمیانه ظهور کرد و سپس وارد اروپا شد، یهودیان به این دیانت جدید از این منظر نگاه می‌کردند که این دین اساساً آمده است، تا اصول ربّانیون و شریعت «تلمود» را نابود کند که منادی برتری جنس بشری یهودیان و مدّعی صفت «ملت برگزیده خدا» بوده، لذا سیل تهمت‌ها و افتراها را به حضرت مسیح ﷺ، حواریون و شاگردانش زدند. هدف از ایجاد چنین چالشی نسبت به مسیحیت، این بود که بتوانند آنها را به بی‌خردی، حماقت و عدم قداست متهم کنند.

در اناجیل، سیمایی منفی از یهودیان فریسی ترسیم شده است. حضرت مسیح بارها آنان را به خاطر ریاکاری‌شان مورد توبیخ و بازخواست قرار می‌دهد. نمونه‌ای از این توبیخ‌ها را در باب ۲۳ انجیل متی می‌توان یافت که آن حضرت بارها این گروه را ریاکار و فریبکار می‌خواند:

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید، زیرا خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار.

مستر «هاکس» درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش یک منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود می‌نویسد:

عبرانیان منتظر قدم مبارک "مسیح" از نسل‌های گذشته تا به امروز بوده‌اند و وعده آن وجود مبارک، مکرراً در "زبور" و کتب پیامبران علی‌الخصوص در کتاب "اشعیا" داده شده است. تا وقتی که یحییای تعمیددهنده آمده به قدم مبارک وی بشارت داده، لیکن یهود آن نبوات (پیشگویی‌ها) را نفهمیده با خود همی‌اندیشیدند که "مسیح" سلطان زمان خواهد شد و ایشان را از ذلت جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد داد. (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۰۶)

چالش یهود در عصر خاتم‌الانبیاء

برخی از یهودیان پس از جنگ با روم در سال ۷۰ م، که منجر به تخریب بیت‌المقدس شد و یهود در سراسر عالم پراکنده شدند، به جزیره‌العرب آمدند. منابع عربی نیز این نظریه را تأیید

می‌کنند. (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲۳-۲۴) درباره علل مهاجرت یهودیان به جزیره‌العرب، نظریات گوناگونی ارائه شده است. برخی بر این باورند که آوارگی یهودیان پس از تخریب اول و دوم بیت المقدس، باعث شد که گروهی از آنان به جزیره‌العرب بیایند. برخی دیگر، روابط تجاری را دلیل مهاجرت می‌دانند. برخی نیز، افزایش جمعیت یهودیان را علت مهاجرت معرفی می‌کنند؛ اما براساس آیه ۸۹ سوره بقره و برخی روایات می‌توان گفت یهودیان براساس آگاهی از ظهور پیامبر جدید در این منطقه به آن جا کوچ کرده بودند.

گروه‌های متعددی از یهودیان در جزیره‌العرب ساکن شده بودند؛ مانند بنی قینقاع، بنی نظیر، بنی قریظه و یهودیان خیبر که پیامبر اکرم ﷺ امیدوار بود با توجه به هماهنگی فکری و دینی اسلام و یهودیت، آنان با مسلمانان همگام شوند. انتظار می‌رفت با شناختی که از اجداد پیامبر اکرم ﷺ و بعدها از خود ایشان داشتند، به ایشان احترام بگذارند و ایمان بیاورند. «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰) ولی در عمل این اتفاق رخ نداد. بلکه برعکس قوم یهود با شناسایی نور نبوت در اجداد پیامبر ﷺ و با تطبیق آن با علائم ذکر شده در کتاب‌های آسمانی سعی در خاموش کردن این نور داشتند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ۹۰؛ ج ۱۰۸، ۲۰۳) یکی از راهبردهای یهودیان مصادره به مطلوب بود. این قوم، خانمی از کاهنان یهود را فرستادند که همسر عبدالله، پدر بزرگوار پیامبر اکرم ﷺ شود و نطفه پیامبر آخرالزمان به این زن منتقل شود؛ چرا که اعتقاد یهود در میثنا بر این است که یک فرد تنها براساس زاده شدن از مادر یهودی، یهودی تلقی می‌شود. لذا آن زن هر روز سرراه عبدالله را می‌گرفت و به او پیشنهاد ازدواج می‌داد اما روز بعد از ازدواج عبدالله با آمنه، دیگر آن پیشنهاد را نداد، عبدالله از او پرسید: چرا این بار سخن پیشینت را تکرار نکردی؟ گفت: نوری که در پیشانی تو بود، دیگر نیست، زیرا عبدالله ازدواج کرده بود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۶) این بود که تلاش کردند تا عبدالله را از بین ببرند. طی دو ترور نافرجام عبدالله توانست جان خویش را حفظ نماید. اما در گام آخر که نوعاً در کتب تاریخی می‌نویسند به علت بیماری از دنیا رفته است، یهودیان اهداف خودشان را اجرایی کردند، منتها این واقعه بعد از ازدواج عبدالله با آمنه مادر گرامی حضرت رسول ﷺ بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۱۵، ۹۰-۱۱۰) بعد از مایوس شدن از ترور حضرت رسول ﷺ و استقرار حکومت اسلامی در مدینه بنای سرنگونی حکومت پیامبر اکرم ﷺ در سر داشتند و در این راستا از هیچ حيله سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو گذار نکردند.

براساس آیات قرآن، چالش‌های ایشان در حکومت نوپای اسلامی عبارت بودند از:
- سیاسی و نظامی مانند (جاسوسی، تهدید امنیت، طرح ترور پیامبر و...):

- فرهنگی (مانند شبهه افکنی، تخریب شخصیت، تحریف تورات و...)
 - اعتقادی (مانند انحراف از توحید، انکار نبوت و قیامت و دشمنی با جبرئیل)؛
 - اقتصادی (مانند برنگرداندن اموال مسلمانان و ایجاد بحران اقتصادی). (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۴۵-۱۰۶)

چالش‌های یهودیان علیه اسلام و مسلمانان، با توجه به آیات قرآن کریم، ریشه در روحیه استکباری و نژادپرستی این قوم داشت. (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۱۰۸-۱۳۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر چالش‌های اجتماعی یهودیان، سیاست‌های گوناگونی اتخاذ کردند:

- انعقاد قرارداد و پیمان (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۲۱؛ واقدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۶۸-۳۶۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۸: ج ۲، ۴۸؛ بلاذری، ۱۴۰۵: ۳۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۳۷۰)؛
 - دعوت به حق و فطرت خدادادی‌شان؛

- مدارا و همراهی با آنان (قرطبی، ج ۱۴، ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۷۳-۳۷۴؛ طبری، ج ۷، ۴۵۵؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۰۷)؛

- فراخوان به عقاید مشترک و پرهیز از اختلاف؛

- مناظره علمی و پاسخ به شبهات ایشان؛

- برخورد نظامی کند. (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۱۵۷-۱۷۴)

البته برخی محققان، دلیل دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود را مسلمان نشدن یهودیان می‌دانند. (اپیستاین، ۱۳۵۸: ۲۱۷-۲۱۸) در مقابل، برخی بر این عقیده‌اند که این یهودیان بودند که در دشمنی با مسلمانان در جزیره‌العرب پیش‌گام بودند. (یوسف حداد، ۱۹۸۹: ۵۸-۵۹)
 از آن‌چه گفته شد می‌توان فهمید که قوم یهود برای مقابله با اسلام و ایجاد عملیاتی را در سه مرحله زیر طراحی کردند:

۱. تلاش برای جلوگیری از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله؛

۲. ایجاد مانع در مسیر حرکت حضرت به سوی بیت المقدس؛

۳. نفوذ در سازمان حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله و انحراف در خط مشی رسول الله صلی الله علیه و آله مانند انحراف در مسیحیت.

یهودیان با پیش‌بینی این‌که ممکن است هریک از این سه مرحله به نتیجه مورد نظر نرسد، هر سه سیاست را با هم آغاز کردند و اگرچه نتوانستند از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله جلوگیری کنند، ولی با استفاده از استحکامات خود پیامبر را مجبور کردند که برای عدم رسیدن به بیت المقدس او را در جنگ تبوک، متوقف نمایند. علاوه بر این‌که در تمام جنگ‌های قبلی نقش این قوم مستکبر

از همه پرننگ تر است. (القمی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۲۶ و ۲۷۰؛ ج ۲، ۱۷۹؛ الطبری، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۷۳؛
الواقدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۸۶)

اگر دیدگاه قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مورد این قوم عنود مطلع شویم، خداوند متعال و رسولش صلی الله علیه و آله از یهودیان تنفر و انزجار خاصی داشته‌اند و آنان را دشمنان اصلی مؤمنین معرفی کرده‌اند. علت تنفر از یهود به چالش‌هایی که آنها در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، ایجاد کرده بودند، برمی‌گردد. البته این چالش‌ها ریشه در استکبار، لجاجت، خودبرتربینی، نژادپرستی، آنها دارد. این خصلت‌های ناپسند باعث شد یهودیان به جای توجه به مشترکات دینی و اتحاد و فرصت‌سازی به ایجاد بحران و چالش در مقابل دین اسلام روی آوردند.

چالش یهود قبل ظهور

مطابق برخی روایات و حکایت، قوم یهود دو راهبرد را برای ایجاد چالش بر سر راه دین اسلام به ویژه افکار شیعی به کار برده‌اند:

راهبرد ۱: مدیریت ادراک از طریق تصویرسازی

مدیریت ادراک یکی از فاکتورهای مهم امنیتی است که برای تنظیم و حفظ حمایت‌های داخلی و برای شکل دادن به عقاید بکار برده می‌شود و تصویرسازی از ارکان اصلی مدیریت ادراک مهار تهدیدات به شمار می‌آید. (مطالعات گروهی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) الگوهای مدیریت ادراک یهود از طریق دو نوع تصویرسازی عملیاتی شده است:

سیاست ۱: تصویرسازی منفی از اسلام

اقدام اول: برچسب زنی: قوم یهود برای این‌که افکار عمومی را مدیریت و نسبت به نفوذ مباحث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مصون‌سازی به عمل آورد، تلاش نمود تا با اهانت به او، تصویرسازی مکملی را در کنار تصویر دروغگویی ارائه دهد. (بقره: ۱۰۴) مهم‌ترین عاملی که باعث رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان در عصر حاضر شده است، هجمه رسانه‌های یهود از جمله هالیوود بر پایه سیاست‌گذاری مسئولان یهودی است. آنها به واسطه رسانه‌هایی که در اختیار خود دارند توانسته‌اند، نوعی اسلام‌هراسی را در دنیا مطرح کنند. این اقدام با هدف «حساسیت‌شکنی»، «تقدّس‌زدایی» همراه با «امکان‌سنجی برچسب‌های بیشتر» و «جلوگیری از نفوذ و گسترش بیشتر اسلام» سابقه‌ای دیرینه در تاریخ طولانی خود علیه اسلام دارند. در قرن معاصر در عرصه بین‌المللی با پدیده‌ای به نام «اسلام‌هراسی» مواجه هستیم که

رسانه‌های خاص آن را متناسب با اهداف خود در جهان اسلام دنبال می‌کنند. برپایه‌این دشمن‌سازی و اسلام‌هراسی، از مدت‌ها پیش این خط تبلیغی در رسانه‌ها دنبال می‌شود که جهان اسلام در صدد نابودی یهود است. (<https://www.dw.com/fa-ir>)

اقدام دوم: بی‌اعتبارسازی: سحر نوعی تصرف در حاشه انسان است، به طوری که حاشه بیننده چیزهایی را ببیند و یا بشنود که حقیقت نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین اهداف یهود صهیونیستی از نفوذ در رسانه، تلاش در جهت به کارگیری شیوه‌های گمراه‌کننده به منظور معرفی اسلام به عنوان یک جنبش انعطاف‌ناپذیر و مخالف تمدن است و این‌که اسلام خطری جدی برای جهان است. (علیخانی، ۱۳۸۴) استراتژی یهود در ساخت فیلم نیز تنها به تولید فیلم‌های یهودی در جهت موجه جلوه دادن چهره یهود و اسرائیل محدود نمی‌شود، بلکه شامل فیلم‌هایی نیز می‌گردد که به تخریب هویت اسلامی و تضعیف رنگ و بوی مذهب در زندگی مسلمانان می‌پردازند. اساساً قسمتی از چالش‌های فرهنگی که در جهان اسلام با آن مواجه‌ایم برگرفته از این صنعت و هنر است که رهاورد آن نیز جنگ روانی غافلانه‌ای است که در جهت مقاصد یهودی رخ می‌دهد و این یک واقعیت است.

اقدام سوم: اهریمن‌سازی: یکی دیگر از روش‌های این قوم برتری طلب تکنیک اهریمن‌سازی است. اولین برجسته‌سازی از اسلام و مسلمین خشونت طلب معرفی کردن است همان عملیاتی که بسیاری از یهودیان عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام دادند. بعد از اجرای موفقیت‌آمیز نمایش یازده سپتامبر به کارگردانی مشترک یهود و مسیحیان صهیونیست، اسلام‌ستیزی در جامعه آمریکا به اوج خود رسید. براساس آمارهای FBI در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۰۰ حمله به مسلمانان گزارش شده بود که این تعداد در سال ۲۰۰۹ به ۱۰۷ حمله کاهش یافت، اما در سال ۲۰۱۰ این حمله‌ها به ۱۶۰ مورد افزایش یافت که همزمان با شدت گرفتن فعالیت‌های اسلام‌هراسی بود. (<http://www.redstate.com>)

اقدام چهارم: تخریب شخصیت: هدف از این اقدام این است که رهبران ذی نفوذ نزد مخاطبان، دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند. در این ارتباط، برنامه یهود برای انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر ایجاد تنش و یا خدشه‌دار کردن روابط، بیهوده کردن و زیان‌آور کردن روابط و نهایتاً قطع روابط کشورها با ایران استقرار پیدا کرده است، در مورد اول یعنی ایجاد تنش در روابط، قوم یهودی سعی می‌کند با عمده کردن نقاط افتراق طبیعی در سیاست‌های متخذه از سوی کشورهای مرتبط با ایران و ایجاد حساسیت در این مورد، روابط ایران با کشورها را سرد کرده و یا دچار بحران نماید. (رضوی، ۱۳۷۹: ۸۸)

اقدام پنجم: تنفرسازی: افلاطون می‌گوید:

کسانی که داستان‌ها را روایت می‌کنند، بر جوامع حکومت نیز می‌کنند.

در پروتکل دوازدهم دانشمندان یهود آمده است:

ما از طریق مطبوعات و روزنامه‌ها، نفوذ قابل توجهی به دست آوردیم. با این حال، خود هم چنان پشت پرده ماندیم.

به همین دلیل، یهودیان نقش مهم و غیرقابل انکاری در اسلام‌هراسی و تنفرسازی ملل مختلف با تسلط بر همه وسایل اطلاع‌رسانی، از سیما گرفته تا صدا و مطبوعات، بازی کردند.

سیاست ۲: تصویرسازی مثبت از خودشان

اقدام اول: توسل به سنت‌ها: قوم یهود برای این‌که تصویری از مشروعیت خود ارائه دهند به سنت‌ها متوسل گردیدند با این توضیح که با استناد به فقراتی از کتاب مقدس، تورات شفاهی و تلمود سعی داشتند تا تصویر موجه و حقی از خود نشان دهند و در عین حال حریفان خود را ناموجه و بی‌اعتبار جلوه دهند.

اقدام دوم: اثبات حقانیت: یهودیان برای نشان دادن حقانیت‌شان، معتقدند که همه مردم جهان به آنها ظلم کرده‌اند به این علت کینه کلیه ملت‌ها به‌ویژه مسلمانان را به دل گرفته‌اند. یهودی‌ها بر این باور هستند که ملت‌های مسلمان سرزمین آنها را سلب کرده‌اند و لذا یکی از اهداف اصلی یهود پس گرفتن سرزمین موعود است تا در آن جا نظم نوین جهانی را اجرا کنند به گفته موشه شاروت در کنگره جهانی یهود؛ اسرائیل ملک مشترک همه ملت یهود است؛ یعنی سرزمین یهودیان همه جای دنیا است. (تقی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۷۰) تصویر دیگری که قوم یهود در تلمود در طول تاریخ از خود ارائه دادند، تفاوت نژاد آنها از سایر مردم است. (مک کال، ۱۸۶۸: ۵۴۳) در این زمینه سعی کردند تا حقانیت خودشان را از طریق تنخ و برگزیدگی بنی اسرائیل، بخشش‌های پی در پی و نگاه ویژه یهود به آنان اثبات نمایند. (حزقیال: ۱۱: ۱۶-۱۸؛ اپستاین، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۶)

اقدام سوم: قدرت‌نمایی: در پروتکل سیزدهم از پروتکل‌های دانشمندان صهیونیست آمده است:

ما باید مردم را با وسایل و راه‌های گوناگون به لهو و لعب بکشانیم. پس از آن، مردم به تدریج نعمت اندیشه‌آزاد و مستقل را از دست می‌دهند و همگی با ما هم‌صدا می‌شوند، زیرا پس از آن، ما تنها اعضای جامعه‌ای هستیم که شایستگی ارائه برنامه‌های فکری جدید را داریم و آنها پیرو ما می‌شوند.

راهبرد ۲: مدیریت ادراک از طریق تحبيب و تهديد

قوم يهود در برابر تهديد نرم اسلام و مسلمين، ضمن توسل به عمليات روانی و توجیه مبانی مشروعیت خود، سیاست دوگانه تهديد و تحبيب را علیه مسلمانان به کار گرفت. مهم‌ترین سیاست‌های اجرا شده عبارتند از:

سیاست ۱: ارباب

یکی از عوامل تشدیدکننده ترس، محیط‌رعب‌آفرین و برخوردهای همراه با تهديد و ارباب است. این سیاست یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های جنگ روانی است که از طریق ایجاد جو وحشت و اضطراب، انگیزه مقاومت حریف تخریب می‌شود. سیاست ارباب برای این قوم اصالت و اولویت داشت و اقدامات مختلفی برای مرعوب ساختن مؤمنین انجام دادند:

اقدام اول: تهديد به مهاجرت: تئودر هرتزل - بنیانگذار رژیم يهودی صهیونیستی - در مورد استراتژی‌های خود در این رژیم، می‌نویسد:

مرزهای اسرائیل به اندازه‌ای وسیع خواهد بود که مرزهای دولت‌های داود و سلیمان را در بر گیرد. این مرزها براساس نیازها و افزایش مهاجران متغیر خواهد بود.

طبق این تفکر، توسعه‌طلبی به عنوان جزء لاینفک يهود، نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان رسانه‌ای و نظامی می‌باشد. لذا از جمله برنامه‌های مهم استراتژی آنان، تصرف مقدار بیشتر از زمین‌های کشورهای مجاور و اخراج اجباری ساکنان آنها با استفاده از خشونت مستمر و تهديد مسلمانان است. ایجاد جنگ روانی به منظور ارباب و اجبار مسلمانان، و تشویق مادی آنها برای مهاجرت و فرارکردن راه حل این مشکل بود. (صفتاج، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۴۴)

اقدام دوم: تهديد به ناامنی: در دکترین معروف به «دکترین حاشیه‌ای» که به مفهوم مجاز بودن هرگونه دست‌اندازی نظامی، سیاسی و اطلاعاتی در داخل کشورها و سرزمین‌های همجوار فلسطین از سوی جامعه يهودی، برای دفاع و حراست از موجودیت آن مطرح شد. يهودی‌ها به اقتضای منافع خود، قلمرو کشورهای پیرامونی را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که ممکن است، نه یک یا چند کشور بلکه یک قاره را نیز در برگیرد. به عنوان نمونه در سال ۱۹۵۶م/۱۳۳۵ش، حکومت يهودی غاصب اسرائیل با همکاری مشترک و رسمی فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی گسترده‌ای از زمین، دریا و هوا علیه مصر آغاز کرد. آنها ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور وقت کشور مصر و تأمین امنیت و منافع اقتصادی اسرائیل را بهانه برای تهاجم اعلام کردند. در سال ۱۹۶۷م/۱۳۴۶ش، بهانه‌های مشابه اسرائیل، موجب تهاجم نظامی علیه مصر و سوریه شد. هم‌چنین فرضیه دفاع از امنیت اسرائیل را، توجیه

مناسبی برای اشغال کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان ارزیابی کرد.

اسرائیل با همین انگیزه و استراتژی، اما با شعار پوششی امنیت الجلیل، در سال ۱۹۸۲م/ ۱۳۶۱ش تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تا دروازه‌های شهر بیروت پیشروی کرد. در این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است (تقی‌پور، ۱۳۸۴).

اقدام سوم: تهدید به کشتار: عمق بخشیدن به تهدیدات فراگیر و قریب‌الوقوع مسلمانان، و در نتیجه افزایش نقش نیروهای نظامی به عنوان تنها وسیله دفاع از قوم یهود. (عبدالعال، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۱۳) در سال ۱۹۸۲م/۱۳۶۱ش، تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تا دروازه‌های شهر بیروت پیشروی کرد. در این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است.

اقدام چهارم: ایجاد جو وحشت علیه مؤمنان: در مسیر تاریخ، یک چهره‌گریه از بنی اسرائیل رخ می‌نماید که به عنوان یک ملت متکبر و پریشان، نمود جاه‌طلبی بی‌محتوایی که افراد بشر را به سوی گمراهی آشکار سوق می‌دهد، شناخته شده‌اند. خداوند متعال، پیامبران متعددی را به سوی ملت بنی اسرائیل اعزام نمود تا آنان به آئین یهود درآیند. اما پس از مدتی تدین آنها به سمت طغیان و استبداد، متحول گردید. به صورتی که به دیگران به دیده‌بردگان خود می‌نگریستند و همین بلندپروازی بود که بنی اسرائیل را به تساهل در قتل و کشتار دیگر ملت‌ها و تهمت و شکنجه و آزار آنان واداشت. این اعتقاد سوء در کوچک شمردن دیگر ملل جهان و سوء رفتار آنان به نام دین و مذهب تمام شده است. نسل‌های بعدی یهود نیز با الهام‌گیری از این تعالیم، تربیت یافته و بنابراین طغیان یهود به صورت تدریجی، چند برابر شده است. یهودیان بیم آن داشتند که مردم از مسیر انحرافی و اعمال آنها در حق سایر ملل و توده‌ها، آگاهی یابند. لذا به تلاش در تسلط بر تاریخ و وسایل تبلیغاتی، رو آوردند و جرائم خود را به دشمنان‌شان نسبت دادند. (الطایی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۱۲)

سیاست ۲: تطمیع

درخشان‌ترین بخش از کارنامه تکاپوهای اتحاد اسلامی سلطان حمید، - حاکم عثمانی - مقاومت سرسختانه او در برابر پیشنهادهای فریبنده و تهدیدهای یهودی‌ها برای تأسیس دولت یهود در سرزمین فلسطین بود. (الشناوی، ۱۹۸۶: ج ۲، ۹۷۳-۱۰۰۲؛ حلاق، ۱۳۸۰: ۷-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵-۱۷) سلطان عثمانی در نامه‌ای به شیخ طریقت بزرگ شاذلیه، می‌نویسد:

مبلغ ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیسی به من عرضه کردند که این پیشنهاد - دولت یهودی در فلسطین - را نیز قاطعانه نپذیرفتم. و در پاسخ به آنان جواب صریح ذیل را دادم: اگر شما - علاوه بر این ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیسی - دنیا را پر از طلا می‌کردید و به من می‌دادید، به طور قطع هرگز این پیشنهاد شما را نمی‌پذیرفتم. (حسان حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)

پاسخ سلطان عثمانی به جنبش یهود صهیونیستی، صریح و قاطع و همواره یکسان بود: ... من نمی‌توانم حتی از یک وجب این سرزمین دست بردارم؛ چرا که این خاک ملک شخصی من نیست بلکه ملک ملت من است، ملت من در راه این سرزمین جنگیده‌اند و آن را با خون خود آبیاری کرده‌اند، یهودیان میلیون‌ها ثروت خود را برای خود نگهدارند و هرگاه امپراطوری من از هم گسسته شد آنها می‌توانند فلسطین را مفت و مجانی به دست آورند. اما می‌بایست قبل از هر چیز از روی اجساد ما بگذرند و من نمی‌توانم موافقت کنم و لو منجر به شقه شقه شدن ما بیانجامد در حالی که ما هنوز جان در بدن داریم. (حسان حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶)

او می‌گفت:

حاضر نیستم انگ فروش بیت المقدس را به یهود، و خیانت در امانتی که مسلمانان مرا به حفظ آن مکلف نموده‌اند، در تاریخ تحمل نمایم. (هدی درویش، ۱۴۱۸: ۴۱)

سلطان خود درباره‌ی طرح‌های صهیونیسم در خاطرات سیاسیش چنین گفته است:

من تلقی مثبتی از مهاجرت یهودیان نمی‌توانم داشته باشم. دیگر گذشت دورانی که غیر هم‌کیشان مان را خودمان چون استخوانی در گوشت مان فرو می‌کردیم. در درون مرزهای مان، فقط افرادی که از ملت ما و شریک در باورهای دینی ما باشند را می‌توانیم بپذیریم. (هدی درویش، ۱۴۱۸: ۷۳؛ حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)

سیاست ۳: سرکوب

این سیاست حین اجرای الگوی مدیریت ادراک و عموماً پس از آن مورد توجه بوده و شامل اقدام‌های مختلفی می‌شود:

اقدام اول: امنیتی کردن: در قالب این اقدام بازیگر به منظور جلب رضایت و ضرورت کاربرد زور بر ضد جریان مخالف، آن جریان را حرکتی ضد امنیتی نشان می‌دهد تا از این طریق همراهی دیگران را ساده‌تر و زودتر جلب نماید. (بوزان ۱۳۸۶: ۵۴) آنها از هیچ اقدامی در جهت مثبت جلوه دادن اسرائیل و کنار زدن افراد منتقد نسبت به این سیاست‌ها، یا محاسن پشتیبانی

بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل، فروگذار نمی‌کنند. البته این تلاش‌ها همواره موفقیت‌آمیز نیست، ولی در مثبت بودن طرز تفکر عمومی نسبت به اسرائیل بسیار مؤثر است. (جی می یرشایمر، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۰۹)

اقدام دوم: غافلگیری: به نوشته دکتر غازی اسماعیل رباعه استاد بخش علوم سیاسی دانشگاه اردن، غافل‌گیری در بیشتر جنگ‌ها، سهم عمده‌ای در استراتژی یهود داشته و در همه درگیری‌ها از این اصل استفاده شده است. یهودی‌ها با شروع هر جنگ، آن را به داخل خاک دشمن منتقل کرده‌اند. دلیل اصلی این اقدام، عدم وجود عمق کافی در سرزمین [فلسطین] است. شعار اسرائیل در اصل ابتکار عمل این است که اولین ضربه را تو وارد کن تا کمترین خسارت متوجه تو شود. (غازی، ۱۳۶۸: ۲۱۷)

اقدام سوم: ریشه‌کن‌سازی: هانتز، مدیر پروژه خاورمیانه مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی دانشگاه جرج تاون می‌گوید:

به هر حال یهودی‌های صهیونیست به صورت کلی با جریان‌ها و گروه‌هایی از جهان اسلام که به اصول و مبانی اسلامی ملتزم و معتقد هستند، به شدت مبارزه می‌کنند و آنان را در فشار و تنگناهای سختی قرار می‌دهند و حتی فجیع‌ترین جنایات را در حق مردم مسلمان فلسطین روا می‌دارند که نمونه بارز آن کشتار هر روز، مردم توسط ارتش صهیونیستی است. (جدید بناب، ۱۳۸۲: ۸۷)

سیاست ۴: امحاء

تلاش برای مدیریت یک پدیده به گونه‌ای که هیچ رد و اثری از آن در جامعه باقی نماند را امحاء می‌گویند که می‌تواند به افزایش ضریب امنیتی بازیگر کمک نماید. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۴۹۳) به گفته یک نویسنده جهان عرب:

استراتژی یهود در آغاز تنها یک سلسله آرزوهای نهفته در نفوس یهود بود که از حالات درونی و شرایط زندگی آنها [...] حکایت می‌کرد؛ اما به آرامی مبدل به یک عقیده شد و سپس صورت استراتژی و تاکتیک را به خود گرفت. سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا استراتژی اسرائیل هیچ‌گونه تغییر نپذیرفته و کماکان در پی ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین تاریخی مورد ادعای رهبران آن، از نیل تا فرات و سپس سیادت کامل بر تمام جهان است. اهداف این استراتژی در توسعه طلبی، تسلط و سیطره، گسترش نفوذ و تحقق آمال اسرائیلی‌ها خلاصه می‌شود. (غازی، ۱۳۶۸، ۲۱۶-۲۱۷)

راهبردها و راهکارهای مهار چالش

راهبرد ۱: فرسایش قدرت نرم قوم یهود

در این چارچوب، باید از طریق مدیریت تصاویر، سرچشمه‌های اساسی قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی قوم یهود را مورد آماج خود قرار داده و دچار فرسایش نمود به تعبیر دیگر به چالش بکشانیم.

سیاست‌ها عبارتند از:

سیاست ۱: مشروعیت‌زدایی: در یک تعریف کوتاه مشروعیت قدرت را می‌توان به درجه باور قدرت‌پذیران به اعتبار و لزوم اعمال قدرت تولید شده بر آنان به وسیله تولیدکنندگان قدرت تعریف کرد. (نبوی، ۱۳۷۹: ۷-۴۴۶) هر چند بخش اعظم این سیاست به دوش مسئولین نظام است اما رویکرد روحانیون و اهل منبر در رسانه‌های حقیقی و مجازی از راه تصویر قدرت مطلقه الهی، حقانیت رسول گرامی اسلام ﷺ، تصویر صحیح از معصومین به ویژه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، عدم تحریف قرآن کریم و حقانیت آن و... مشروعیت هر گونه قوم‌گرایی، نژادپرستی و سلطه‌طلبی را زیر سؤال برد و به انزوا بکشانیم.

سیاست ۲: ناکارآمدسازی: نظام‌ها و قوم‌های اجتماعی نه تنها برای شکل‌گیری که برای تداوم بقاء نیز نیازمند به مشروعیت می‌باشند که از آن به مشروعیت ثانویه یا کارآمدی یاد می‌شود. (شجاعی‌زند، ۱۳۷۷: ۵۳) در همین راستا باید در مواجهه با قوم یهود در گام اول از رسانه «اقدامات بیانی-تبلیغی» رکن اساسی سرچشمه قدرت نرم آنها را سست نموده با «اقدامات رفتاری و عملیاتی» تلاش کرد تا کارآمدی حاکمیت را نیز با مشکل روبرو نموده و در نتیجه اقتدار آنها را در سطح جهان شکننده نماییم. بدیهی است که بخش اول اقدامات متوجه جامعه نخبگانی جامعه اسلامی-شیعی است و بخش دوم اقدامات مربوط به جبهه مقاومت و مدافعان حرم است.

مهم‌ترین اقدامات ذکر شده در قرآن کریم عبارتند از:

اقدامات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شبیهات و اشکالات‌شان را پاسخ می‌گفت و معجزاتی نیز برای آنها مانند: معجزات حضرت مسیح علیه‌السلام آوردند که این قوم لجوج قبول ننمودند.

حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نیز تورات و انجیل را از غار انطاکیه بیرون می‌آورند، (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷) تابوت سکینه را نیز با خود می‌آورد. عصای حضرت موسی علیه‌السلام را می‌آورد. (حرعاملی، ۱۴۲۵: ۵۳، ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۵۳۰) اعجاز نبوی و مهدوی در هدایت این قوم تأثیر اندکی داشت. ما نیز با کاربرت روش‌های کتاب الهی و سنت نبوی و منویات رهبری

که همان تفاوت عالمانه و مجاهدانه در همه عرصه‌هاست، قدرت نرم و سخت آنها را به چالش می‌کشانیم.

سیاست ۳: اجماع شکنی: یکی از موفقیت‌ها در فرسایش قدرت نرم قوم یهود، ایجاد شکاف و انشقاق در میان سطوح مختلف دستگاہ آنان است. آیات شریفه ۶۱-۶۲ سوره مبارکه طه به این روش اشاره دارد؛ از آن جمله شکاف بین ساحران با فرعون. (طه: ۷۰) یهودیانی که هم اکنون در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند، دارای ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف هستند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: به تعداد ملیت‌هایی که یهودیان از میان‌شان به این سرزمین آمده‌اند، فرهنگ وجود دارد و به همین دلیل یهودیان هر کشوری در فلسطین، معمولاً در ناحیه خاصی زندگی می‌کنند. (سولا، ۱۳۵۷: ۳۵) در اسرائیل به چند زبان مختلف دنیا مانند عبری، عربی، آلمانی، لهستانی، انگلیسی و برخی زبان‌های دیگر تکلم می‌شود. در عملیاتی کردن این سیاست نه تنها به نیاز به اجماع درونی است بلکه باید یک اجماع بین‌المللی نیز به دست آوریم که در نظریات راهبردی امام راحل علیه السلام و امام حاضر نیز به چشم می‌خورد. آن چه که مسئولیتش را بر عهده جامعه نخبگانی سنگین می‌کند تلاش برای گفتمان‌سازی و تصویرسازی واقعی قضیه است. اتحاد جامعه اسلامی، سبب درهم شکستن ائتلاف یهودی‌ها و هم‌پیمانان‌شان می‌باشد. به عنوان نمونه اتحادیه اروپا از تصویب قانون «کشور یهود» که حق تصمیم‌گیری یهودیان صهیونیست در سرزمین‌های اشغالی را به رسمیت می‌شناسد، ابراز نگرانی کردند. و با صراحت اعلام کردند که تنها راه حرکت به جلو تشکیل دو کشور است و باید از هر گامی که تحقق این راه حل را پیچیده می‌کند یا مانع آن می‌شود، اجتناب شود. (<https://www.ettelaat.com>)

سیاست ۴: ناامیدسازی: در سایه استقامت و پایداری در راه هدف است که دشمن نژادپرست ناامید و مأیوس می‌شود. مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مسدولان آموزش و پرورش فرمودند:

آن چه صلابت این ملت را حفظ خواهد کرد، عبارت است از وحدت حول محور ایمان و انقلاب؛ این چیزی است که دشمن را ناامید می‌کند. (۱۳۸۱/۴/۲۶)

سیاست ۵: فرسوده‌سازی توان مدیریتی: چنان چه نظام سیاسی به طور مستمر با موضوعات یا مسائل امنیتی سر و کار داشته باشد، با فرسایش در توان مواجه شده و پس از مستولی شدن یأس و ناامیدی در جامعه، به سمت فروپاشی سوق خواهد یافت. قوم نژادپرست یهود با ایجاد مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی در صدد ایجاد خستگی و فرسودگی در میان ملت‌های

اسلامی است؛ زیرا اگر موفق به ایجاد این معضل در جامعه شود، آن‌گاه جوامع دیگر توان و انگیزه تلاش و مقابله را نخواهند داشت و در نتیجه قوم نژادپرست می‌تواند چنین جامعه‌ای را به راحتی از پای درآورد.

راهبرد ۲: تولید قدرت نرم

قدرت به مفهوم توانایی و قابلیت، علاوه بر گوناگونی انواع، تعریف متفاوتی در ادبیات قرآن و رایج سیاسی جهان دارد. قدرت نرم به معنای جذب انسان‌ها و جوامع انسانی به اندیشه و عمل مورد نظر به دور از خشونت و زور، سابقه‌ای به طول عمر انسان داشته و در ادبیات سیاسی امروز، ظهور مجدد و پررنگی یافته است و به منظور تحمیل اراده خود بر دیگران به کار می‌رود. این راهبرد قرآنی علاوه بر به کارگیری قدرت سخت در موارد خاص، بیشتر به قدرت نرم خود متکی است. آیات قرآن بیانگر قدرت نرم اسلام و منابع آن در برابر جنگ نرم مستکبران است. شناخت قدرت نرم اسلام به منظور حفظ و تقویت آن ضروری است؛ زیرا از یک سو وسیله‌ای برای نفوذ و تغییر در دل‌ها و رشد انسانیت است و از سوی دیگر مانعی برای دستیابی دشمنان به جامعه اسلامی و منابع قدرت آنهاست. بیشترین قدرت نرم قرآن را در بینش‌دهی و آگاه‌سازی انسان‌ها نسبت به موضوعات و مسائل مؤثر در هدایت جامعه و رشد انسان‌ها می‌داند. ایجاد بینش توحیدی در انسان، بینش و برنامه قرآن درباره انسان، جهان، دشمن‌شناسی، جهاد و... اندکی از نمایش قدرت نرم و منابع تولید آن در قرآن است که تبیین و تبلیغ آن نیازمند هوشمندی است. علاوه بر قدرت نرم در بخش مبانی و ارزشها، باید نسبت به راهبردها و استراتژی‌های مناسب نیز مجهز بود. به فرموده مقام معظم رهبری: «پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌کند. «أَلْعَلِمُ سُلْطَان» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۱۹) «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صَال»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صِیْلَ عَلَیْهِ»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد» (۹۶/۷/۲۶) قدرت نرم هنگامی مؤثر واقع می‌گردد که مخاطب تصویر ارائه شده از قدرت را بپذیرد. بر این اساس حضرت امام و مقام معظم رهبری در کنار فرسایش اقتدار قوم یهود، با استفاده از امکانات و داشته‌های خود و مردم مؤمن که مؤید به تأییدات الهی‌اند، توانستند تصاویری را از خود در جامعه امروزی که در آن زندگی می‌کردند، ارائه دهند که منجر به پذیرش قدرت نرم از سوی ملل مختلف شده است. برخلاف راهبرد قبلی، در راهبرد جنگ نرم بیشتر طبقه نخبگانی جهان اسلام و نظام انقلابی است.

سیاست ۱: نمایش مشروعیت: همان‌طور که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در اولین اقدام، حقانیت و

مشروعیت الهی خود را با روش های اقناعی به تصویر کشید. در واقع رویارویی اولیه حضرت موسی علیه السلام با فرعون بیانگر ابلاغ ایدئولوژی حرکت اصلاحی او است. بر همین اساس حضرت موسی علیه السلام در رویارویی با فرعون، مبنای مشروعیت خود را الهی و آسمانی معرفی می فرماید. (اعراف: ۱۰۴؛ شعراء: ۱۶) بنابراین ما نیز در ادامه نهضت از مسیر توحیدی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام ترسیم کرد و حضرت امام علیه السلام آن را در عصر حاضر تحقق بست، نباید خارج شویم. حضور گسترده مردم در راهپیمایی های روز قدس و سایر روزهای انقلاب، شرکت در کاروان های راهیان نور، حضور گسترده در پیاده روی اربعین و حاضر شدن در انتخابات نظام و... همه نمایش مشروعیت نظام الهی و انقلابی است که باید پررنگ تر از قبل ادامه یابد.

سیاست ۲: اثبات کارآمدی: که ما می توانیم کارآمدترین برنامه برای زیست متعالی در دنیای مادی و معنوی امروز را معرفی نماییم. تحلیل و بررسی گام دوم حضرت آقا در مرحله اول و عملیاتی نمودن آن توسط سه دسته از اقشار مردم در راستای کارآمدی نظام است. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در واقع سند چشم انداز نظام اسلامی برای ۵۰ سال آینده است، برنامه کارآمد بلندمدت است که این خود، ناکارآمدی نظام سلطه یهود که بر امریکا و اروپا سایه انداخته، نشان می دهد.

سیاست ۳: اجماع سازی: برای شکل دهی به یک تغییر اجتماعی وجود اجماع یک امر ضروری است. با توجه به این که فضای ملت های اسلامی بسیار گسترده و متنوع است در راستای اهداف حرکت می تواند مشکل آفرین و تهدیدساز باشد و قدرت نرم مسلمانان را کاهش دهد. از این رو، نیاز است ضمن با رسمیت شناختن تکثر و تنوع آنها (طه: ۶۰) تلاش نمود، از تفرق ایشان جلوگیری شود. (یونس: ۸۷) راهکارهای حضرت امام خمینی علیه السلام در این باب عبارت است از:

- رهبری واحد (روحانی، ۱۳۵۹: ج ۱، ۹۹)؛
- شناسایی کانون فساد و منشا اختلاف (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۴۶۰)؛
- پرداختن نویسندگان به وحدت (همو: ج ۱، ۲۱)؛
- برنامه ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی (روحانی، ۱۳۵۹: ج ۱، ۱۴۹)؛
- احترام متقابل (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۳۲۵)؛
- جلوگیری از اهانت (ستوده، ۱۳۸۷: ج ۴، ۴۳)؛
- تمسک به مشترکات (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۱، ۳۷۵)؛
- پرهیز از مسائل تفرقه افکن (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۷، ۹۸، ۸، ۴۸۱: ج ۱۰، ۶۱)؛

- اهتمام به امور مسلمانان در جهان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۹، ۲۷۷)؛
- ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵، ۲۶۰؛ ج ۶، ۲۶؛
ج ۱۰، ۶۹).

سیاست ۴: امیدپروری: اساساً پیشنهاد راه حل‌های خروج از بحران به مردم، امید حرکت و انگیزه مشارکت در جنبش را افزایش می‌دهد. (حسینی، ۱۳۸۱: ۴۲) امیدپروری، تفکر گذرگاه، توانایی ادراک شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف است. از آن جا که برخی از طرح‌ها و نقشه‌ها ممکن است با شکست مواجه شوند، افراد دارای امید بالا، به منظور مقابله با موانع احتمالی، چندین گذرگاه را در نظر می‌گیرند. (ایروینگ و همکاران، ۱۹۹۸) لازم به ذکر است که آثار سودمند امید، ناشی از توانایی واقعی در ایجاد گذرگاه‌ها نیست بلکه ناشی از این ادراک است که چنین گذرگاه‌هایی در صورت لزوم می‌توانند تولید شوند. در همین راستا، یکی از اقدامات مستمر حضرت آقا در مبارزه با استکبار، «امیددهی» به ملت و جهان اسلام با ادبیات مختلف بود: «این‌که خدا می‌گوید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا﴾ - اگر من و شما تقوا داشته باشیم خدا با ما است - این معیت الهی و با ما بودن خدا، معنایش این است که می‌توان دو نفر آدم تنهای دست خالی را فرستاد به جنگ یک فرعون». (۹۵/۹/۳)

سیاست ۵: ایجاد هویت مقاوم: یکی از ویژگی‌های رهبران بزرگ جنبش اجتماعی نیرو و تحمل بالای آنهاست. (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۲) در همین راستا مقام معظم رهبری ضمن برخورداری از صبر و تحمل بالا، به طور مستمر مردم را دعوت به صبر و استقامت نموده و از آنان می‌خواهد که به خدا توکل کرده و تنها از او کمک بخواهند. ایشان در چندین بار فرمودند (کلامی معنی ربی سیه‌دین). ایشان در کنفرانس وحدت اسلامی افزود:

این سنت الهی است؛ اگر مسلمان‌ها بایستند، بر همه‌ساز و برگ قدرت‌های طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. (۹۷/۹/۴)

بنابراین به عنوان یک راه حل کاربردی در مقام مواجهه با قوم خودپسند یهود است. مقام معظم رهبری در این رابطه فرمود:

نظریه مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. (۹۷/۸/۱۲)

نتیجه‌گیری

اقوام، گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی بدلیل تقابل با نظام سیاسی مستقر باعث شکل‌گیری چالش می‌شوند. در چنین محیطی، طرفین سیاست‌ها و الگوهای را برای برطرف کردن چالش به استخدام می‌گیرند، که هر کدام دارای اصول و مبانی است که جهت‌دهنده و راهنمای عملکرد آنها می‌باشد. در جریان تقابل یهود با مؤمنین، در طول تاریخ، مهم‌ترین الگوی به کار گرفته شده، تصویرسازی مبتنی بر مؤلفه‌های قدرت نرم است. متقابلاً یهود نیز با توجه به اصول و مبانی‌اش از سیاست‌هایی پیروی می‌نماید که تلاش داشت منابع قدرت نرم مسلمانان را تخریب و نابود سازد. در واقع جنس اصول در درون این الگوها که از جهان بینی کنش‌گران آن ناشی می‌گردد، از منظر قرآن کریم، یهود قومی است با ویژگی‌هایی چون نژاد پرستی، دین فروشی، تحریف حقایق، فساد در روی زمین، رباخواری، حرص شدید به دنیا و... همیشه چالش برانگیز بودند از این رو راهبرد دشمنی را در تقابل با آنها پیشنهاد داده است «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده: ۸۲).



منابع

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
- ابن هشام، السیرة النبویه، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴.
- اپستاین، ایزیدور، یهودیت: بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.
- استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، مصحح: حسین استاد ولی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
- بخشی، علی آقا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر، اول، ۱۳۶۳.
- بغدادی (ابن سعد)، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- بلاذری، فتوح البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- بوزان، باری و همکاران، چارچوبی تازه برای امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
- تقی پور، محمدتقی، استراتژی پیرامونی اسرائیل: اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۴.
- جدید بناب، علی، تحلیلی بر عمل کرد یهود در عصر نبوی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱.
- _____، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
- حسینی، حسین، رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- حلاق، حسان، نقش یهود و قدرت های بین المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، ترجمه: حجت الله جودکی و احمد درویش، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.
- درویش، هدی، الاسلامیون و ترکیا العلمانیة نموذج الامام سلیمان حلمی، القاهرة، دارالافاق العربیة، ۱۴۱۸ق.

- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک، قوم‌گرایی و چالش‌های فراگیر جهان، تهران، انتشارات بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذوعلم، علی، تاملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی-فرهنگی ایران، زمانه، شماره ۳۶، ۱۳۸۴.
- رضوی مهدی، نیرنگ‌سازی صهیونیسم، قم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- روحانی، سیدحمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران، راه امام، ششم، ۱۳۵۹.
- ساکولف، ناهوم، تاریخ صهیونیسم، ترجمه: داود حیدری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷.
- ستوده، امیر رضا، پایه پای آفتاب (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی)، تهران، پنجره، ۱۳۸۷.
- سولا افرایم، خداحافظ اسرائیل، ترجمه فرامرزی، تهران، انتشارات آرمان، ۱۳۵۷.
- سید طنطاوی، محمد، بنو اسرائیل فی القرآن و السنه، مصر، دارالشروق، ۱۹۹۷.
- السیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- شایمر جان جی می‌یر، گروه فشار اسرائیل و سیاست آمریکا، ترجمه: رضا کامشاد، تهران، فرزانه، اول، ۱۳۸۹.
- شجاعی زند، علیرضا، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین: بررسی جامعه‌شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی، تهران، تبیان، اول، ۱۳۷۷.
- الشناوی، عبدالعزیز محمد، الدولة العثمانیة، دولة اسلامیة مفتقری علیها، القاهرة، مكتبة الانجلو المصریة، دوم، ۱۹۸۶ م.
- شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷.
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، اعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۵ ق.
- صفاتاج، مجید، تروریسم صهیونیستی، تهران، جمعیت دفاع از ملت فلسطین، اول، ۱۳۸۲.
- صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، نشر مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- الطایبی نجاج، مظلوم‌نمایی یهود، بیروت، دارالهدی، اول، ۱۳۸۴.

- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، الاعلمی، ۱۳۸۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ق.
- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان عن تاویل آیات القرآن*، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۲.
- عبدالعال صفا محمود، *ادعاهای حقوقی تاریخی در سرزمین اسرائیل*، ترجمه: رضوان حکیم زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۸۷.
- عبدالله خانی، علی، *نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
- علیخانی، سایت *باشگاه اندیشه*، ۱۳۸۴.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر، پنجم، ۱۳۶۳.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
- غازی اسماعیل رباعه، *استراتژی اسرائیل*، ترجمه محمدرضا فاطمی، تهران، نشر سفیر، اول، ۱۳۶۸.
- فورد، هنری، *یهود بین الملل*، علی آرش، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۲.
- قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴.
- القمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح و تعلیق و مقدمه: سیدطیب موسوی جزایری، قم، مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۳۷۸ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کورانی، علی، *المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف*، بیروت، دارالمرتضی، اول، ۱۴۳۰ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸ش.
- _____، *صحیفه انقلاب (وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی)*، تهران، ذکر، ۱۳۸۹.
- المسیری، عبدالوهاب، *موسوعة اليهود واليهودية والصهيونية*، بیروت، دارالشروق، ۱۹۹۹.

- مطالعات گروهی امنیت ملی، تهدید نرم در نظریه امنیت (راهبردهای مقابله)، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- نبوی، سیدعباس، فلسفه قدرت، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- نعمانی، ابن ابی زینب، العیبه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷.
- واقدی، محمدبن عمر، المغازی، تحقیق: مارسن جونس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ورنر، زد. هیرش و لوک ای. وبر (گردآورنده)، چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، به کوشش: رضا یوسفیان املشی، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۱.
- هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، بی‌جا، اساطیر، ۱۳۷۷.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تحقیق: مهنا، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۳.
- یوسف حداد، مهنا، الرویة العربیة لليهودیة، کویت، منشورات ذات السلاسل، ۱۹۸۹.
- A.Cohen and Paul Mendes-Flohr, (1987) Contemporary Jewish Religious Thought ,Arthur New York, the Free Press.
- Atlen, Henri (1987), "Chosen People", Contemporary Jewish Religious Thought, New York.
- Berry, J. W., & Kalin, R. (1995). "Multicultural and ethnic attitudes in Canada: An Overview of the 1991 national survey", Canadian Journal of Behavioral Science, 27, 301-320.
- Bircan, T., Hooghe, M. (2010). "Ethnic Diversity, Perceptions of Ethnic Diversity and Ethnocentrism. A Multilevel Analysis of Ethnocentrism in Belgian Communities". World Congress of Sociology. Göteborg, Sweden, 11-17 July 2010.
- Encyclopaedia, Udaica, 1972, Jerusalem: Encyclopaedia Judaica. Hertzberg, Arthur (ed), Judaism.
- Irving, L. M., Snyder, C. R. and Crowson Jr. J. J. (1998). Hope and the negotiation of cancer facts by college women. Journal of Personality, 66.
- <http://farsi.khamenei.ir/newspart>
- http://www.redstate.com/jeff_emanuel/2011/08/26/exacerbating-the-perception-problem-center-for-american-progress-chronicles-the-american-rights-decade-of-baseless-aggression-against-islam



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی